بصیرت در کلام معصومین علیهم السلام

اشاره

هرگاه فتنه‌ها چون مار سمی سر از آشیانه بیرون می‌آورند، ترکیبی از فرصت‌ها و تهدید‌ها رخ‌نمایی می‌کند. تهدید برای قوام و امنیت جامعه و فرصت برای محک زدن عیار خویش و میزان بصیرت. آموزه‌های سیاسی اسلام، سرشار از رهنمودهایی است که تکلیف ما را با فتنه و فتنه‌گر مشخص می‌کند و چالشی را که از این مسیر به دست آمده، با رهیدن همراه با بصیرت و گذار به رفتار مناسب، از میان برمی‌دارد. نهم دی، یکی از نمادهای ماندگار در انتخاب درست مردم است که نبرد با مار خوش‌خط‌وخال فتنه و تزویر را برای همیشه در تاریخ ثبت کرد و حکایتی جانانه از عزم ملی در مدیریت سیاسی کشور را رقم زد. مردم‌سالاری دینی در این خیزش آگاهانه به زیبایی هر چه تمام‌تر قد برافراشت و بدخواهان و کینه‌توزان را رسوای کوی و میدان کرد. یک چنین سرمایه سرشاری، همیشه در صیانت از کیان ایران اسلامی جاری است و تا زمانی که بصیرت هست، پیشرفت و موفقیت نیز هست. مبارزه با فتنه نیازمند شناخت آن و شناخت فتنه، نیازمند فتانت و زیرکی است که از آن به بصیرت یاد می‌کنیم. روز بصیرت را بهانه می‌کنیم تا نگاهی عمیق‌تر به فتنه‌ها بیاندازیم و هشدارهای دینی را در این باره با هدف بصیرت‌افزایی رونمایی کنیم:

( پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : «ثَلاثه أخافُهُنَّ علی اُمّتی: الضَّلاله بَعْدَ المَعْرِفه، و مُضِلاّتُ الفِتَنِ، و شَهْوَه البَطْنِ و الفَرْجِ؛ سه چیز است که از آنها بر امّت خود بیمناکم: گمراهی بعد از شناخت، فتنه‌های گمراه کننده، و شکم بارگی و شهوترانی».

( در توصیفی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از فتنه‌گران برای علی علیه السلام نموده، فرمود: «یَعْمَهونَ فیْهَا إلی أن یُدرِکَهُمُ العَدلُ. [ قالَ علیُ علیه السلام ] فقلتُ: یا رسولَ اللّهِ، العدلُ مِنّا‌ام مِن غیرِنا؟ فقالَ: بَل مِنّا، بِنا یَفتَحُ اللّهُ، و بنا یَختِمُ، و بِنا ألَّفَ اللّهُ بینَ القلوبِ بعدَ الشِّرکِ؛ در فتنه سرگردانند تا آنکه عدالت به سراغشان آید. علی علیه السلام می‌پرسد: ‌ای پیامبر خدا! عدالت از طرف ماست یا از طرف دیگران؟ فرمود: البته از جانب ما، خداوند با ما آغاز می‌کند و با ما پایان می‌دهد. خداوند، پس از شرک، با ما میان دل‌ها، پیوند و الفت پدید آورد».

( پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ـ به اصحابش ـ فرمود: «إنّکُم أصْحابی، و إخْوانی قَومٌ فی آخِرِ الزّمانِ آمَنوا و لَم یَرَونی... لَأحدُهُم أشَدُّ بَقیّه علی دِینهِ مِن خَرْطِ القَتادِ فی اللّیله الظَّلْماءِ، أو کالقابِضِ علی جَمْرِ الغَضا، اُولئکَ مَصابیحُ الدُّجی، یُنجِیهِمُ اللّهُ مِن کلِّ فتنه غَبْراءَ مُظْلِمه؛ شما همراهان من هستید، اما برادران من، مردمانی در آخرالزمان هستند که ایمان آورده‌اند و مرا ندیده‌اند... پایداری هر کدامشان در دینداری، بیشتر از مقاومت کسی است که می‌خواهد در شب تار، خارهای ساقه‌گون را با دست از بالا به پایین بزداید یا همچون کسی است که زغال افروخته چوب گز را در کف نگه می‌دارد. اینان چراغ‌های تابان در دل تاریکی‌اند. خداوند آنان را از فتنه‌های غبارآلود و شبگون نجات می‌بخشد».

( پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : «یکونُ قَومٌ مِن آخِرِ اُمّتی، یُعْطَونَ الأجْرَ مِثلَ ما یُعطی أوَّلُهْم، یُقاتِلونَ أهلَ الفِتْنَه، یُنْکِرونَ المُنْکَرَ؛ از میان آخر امّت من مردمی برخواهند خاست که پاداش و اجرشان مانند اجر و پاداش اولین افراد امّت خواهد بود. با فتنه‌گران می‌جنگند و با منکر و زشتی می‌ستیزند».

( پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : «طُوبی للمُخْلِصینَ، اُولئکَ مَصابیحُ الهُدی، تَنْجَلی عَنهُم کُلُّ فِتْنَه ظَلْماءَ؛ خوشا به حال مخلِصان؛ آنان چراغ‌های هدایتند که هر فتنه تیره‌ای از سوی آنها زدوده می‌شود».

( پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله : «المُسلمُ أخُو المُسلمِ، یَسَعُهُما الماءُ و الشَّجَرُ و یَتعاوَنانِ عَلی الفَتَّانِ؛ مسلمان، برادر مسلمان است، در کنار هم، از آب و درخت استفاده می‌کنند و در برابر فتنه انگیز، یاور همند».

( امام علی علیه السلام : «إنَّ أبغَضَ الخَلائقِ إلَی اللّهِ رجُلانِ: رجُلٌ و کَلَهُ اللّهُ إلی نفسِهِ، فهُو جائرٌ عن قَصْدِ السَّبیلِ، مَشْغوفٌ بکَلامِ بِدعه و دُعاءِ ضَلاله، فهُو فِتْنه لِمَنِ افْتَتَنَ بهِ...، و رجُلٌ قَمَشَ جَهلاً، مُوضِعٌ فی جُهّالِ الاُمّه، عادٍ فی أغْباشِ الفِتْنه، عَمٍ بما فی عَقدِ الهُدْنه، قد سَمّاهُ أشْباهُ النّاسِ عالِما؛ منفورترین مردمان نزد خداوند متعال دو کس است: کسی که خداوند او را به خود وا نهاده و او از راه راست به دور افتاده؛ دلداده بدعت است و فراخواننده به سوی گمراهی، پیروان خود را به فتنه و گمراهی درمی افکند... و مردی که مشتی نادانی فراهم ساخته، در میان نادانان امّت جولان می‌دهد، در تاریکی‌های فتنه می‌تازد، مزایای صلح و آرامش [در جامعه] را نمی‌بیند. آدم‌نماها او را دانا نامیده‌اند، ولی نیست».

( امام علی علیه السلام : «أسَدٌ حَطُومٌ خَیْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ ظَلُومٍ، وَ سُلْطانٌ ظَلُومٌ خَیرٌ مِنْ فِتَنٍ تَدُومُ؛ شیر درنده بهتر است از فرمانروای ستمگر و فرمانروای ستمگر بهتر است از فتنه‌های دیر پای».

( امام علی علیه السلام : «ألاَ فالحَذَرَ الحَذَرَ مِنْ طاعه ساداتِکُمْ و کُبَرائکُمُ الّذینَ تَکَبَّروا عَن حَسَبِهِمْ، و تَرفَّعوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ... فإنّهُمْ قواعدُ أساسِ العَصَبیّه، و دعائمُ أرکانِ الفِتْنَه، و سُیوفُ اعْتِزاءِ الجاهلیّه؛ هان، زنهار! زنهار! از فرمانبری مهتران و بزرگانتان که به شرافت خانوادگی خود نازیدند و تبار خویش را برتر دیدند... آنان پایه‌های عصبیت‌اند و ستون‌های فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلی».

( امام علی علیه السلام : «أیُّها النّاسُ، إنّما بَدْءُ وُقوعِ الفِتَنِ أهْواءٌ تُتَّبَعُ... و لَو أنَّ الحَقَّ خَلَصَ لَم یَکُنِ اخْتِلافٌ، و لکنْ یُؤخَذُ مِن هذا ضِغْثٌ و مِن هذا ضِغْثٌ فیُمْزَجانِ فیَجیئانِ مَعا، فهُنالِکَ اسْتَحْوَذَ الشّیطانُ علی أوْلیائِه، و نَجا الّذینَ سَبَقَتْ لَهُم مِن اللّهِ الحُسْنی؛ ‌ای مردم! جز این نیست که فتنه‌ها، به سبب پیروی از خواهشهای نفسانی، آغاز می‌شود... اگر حقّ خالص و یکدست بود اختلافی پیش نمی‌آمد. اما اندکی از حقّ و مشتی از باطل گرفته و درهم آمیخته می‌شوند. در این جاست که شیطان بر دوستداران خود چیره می‌شود، اما آنان که نیکی (لطف) خداوند پیشاپیش شامل حالشان شده نجات یابند».

( امام علی علیه السلام : «سَبَبُ الفِتَنِ الحِقْدُ؛ علت فتنه‌ها و آشوب‌ها کینه‌توزی است».

( امام علی علیه السلام : «إنَّ الشَّیطانَ یُسَنّی لَکُم طُرُقَهُ، و یُریدُ أنْ یَحُلَّ دِینَکُم عُقْده عُقْده، و یُعْطیَکُم بالجَماعه الفُرقَه، و بالفُرقَه الفِتْنَه، فاصْدِفوا عن نَزَغاتِهِ و نَفَثاتِهِ؛ همانا شیطان راه‌های خود را برای شما آسان و هموار می‌کند و می‌خواهد بند بندِ دین شما را بگسلاند و به جای یکپارچگی، پراکندگی نصیبتان کند و بر اثر پراکندگی، فتنه و فساد پدید آورد. پس، از وسوسه‌ها و افسون‌هایش روی‌گردان شوید».

( امام علی علیه السلام : «إنَّ الدنیـا لَمَفسَـده الدِّیـنِ مَسلَبَه الیقینِ، و إنّها لَرَأسُ الفِتَنِ و أصلُ المِحَنِ؛ دنیا، مایه تباهی دین و سلب یقین و رأس فتنه‌ها و ریشه رنجها و محنتها است».

( امام علی علیه السلام : «اِعلَمُوا أنّهُ مَن یَتَّقِ اللّهَ یَجعَلْ لَهُ مَخرجا مِنَ الفِتَنِ، و نورا مِنَ الظُّلَمِ، و یُخَلِّدْهُ فیما اشتَهَتْ نفسُهُ، و یُنزِلْهُ مَنزِلَ الکَرامَه عِندَهُ، فی دارٍ اصطَنَعَها لنفسِهِ، ظِلُّها عَرشُهُ، و نورُها بَهجَتُهُ، و زُوّارُها ملائکَتُهُ، و رُفَقاؤها رُسُلُهُ؛ بدانید که هر کس از خدا بترسد، خداوند برای رهایی‌اش از فتنه‌ها (گمراهی‌ها) راهی و در تاریکی‌ها نوری برایش قرار دهد و او را در آنچه می‌خواهد (بهشت) جاویدان سازد و در جایگاهی با کرامت نزد خود جایش دهد؛ در سرایی که [خداوند] آن را برای خویش برگزیده است و سایه آن عرش خداست و روشنایی‌اش جمال و سُرور او و زائرانش فرشتگان اویند و همنشینانش پیامبران او».

( امام صادق علیه السلام : خداوند متعال در یکی از نجواها به موسی علیه السلام فرمود: «و اعلَمْ أنّ کلَّ فِتنه بَذْرُها حُبُّ الدنیا؛ بدان که بذر هر گمراهی و فتنه‌ای را دنیا دوستی افشانده است».

منبع روایات: محمدی ری‌شهری، محمد. میزان‌الحکمه(نرم‌افزار)، قم. دارالحدیث.

نهم دی؛ تجلی بصیرت، در سایه ولایت

قربان صحرایی چاله‌سرایی

خرداد بود. ماه حماسه‌های جاوید. در تقویم انقلاب اسلامی ایران، این ماه شاهد حماسه‌های تاریخی است که در آن خلق شده است. از پانزده خرداد 1342 که نقطه عطف و آغاز نهضت اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله است گرفته تا سوم خرداد 1361 سالروز آزادسازی خرمشهر قهرمان و 14 خرداد 1368 سالروز رحلت جانسوز رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله و آغاز رهبری امام خامنه‌ای مدظله‌العالی. در طول تاریخ معاصر، به ویژه در عصر مشروطیت نیز کشور ایران در ماه خرداد شاهد وقایع مهمی بوده‌ است که ذکر آن در این مجال نمی‌گنجد.

همچون سال‌های دور در خرداد سال 88 نیز مردم مسلمان کشور جمهوری اسلامی ایران، حماسه‌ای خلق کردند، حماسه‌ای که سبب بُهت و حیرت جهانیان گردید؛ به شکلی که چشمان حیرت‌زده دشمن از حدقه بیرون زد. ملت با حضور پرشور خود، حماسه‌ای پرشکوه آفریدند که جلوه‌اش تماشایی و ماندگار بود و هست؛ اما این حضور پرشکوه و خلق حماسه بر دشمن خبیث بسیار‌گران آمد؛ زیرا دشمن به هر حیله و ترفند و تزویری دست زده بود تا انتخاباتی بی‌رونق و سست و بی‌مایه در ایران برگزار شود، اما بر خلاف میل شیطانی‌ دشمن ملت با حضور حماسی خود، دشمن را ناکام گذاشت. آنان برای جبران ناکامی خود و مقابله با پیروزی شکوهمند ملت در حماسه حضور، دست به کار شدند.

او برای نیل به اهداف پلید خویش، فتنه‌ای خلق کرد تا آن پیروزی شورآفرین بر کام ملت تلخ گردد. در این میان هزینه‌های سنگینی بر ملت تحمیل شد. از دشمن دون که انتظاری جز این نبوده و نیست، ولی در این میان عده‌ای خیانت‌کار، وطن‌فروش و منافق داخلی نیز آب به آسیاب دشمن ریختند و آتش افروخته فتنه را افروخته‌تر نگه داشتند؛ اما ملت شریف و صبور و حماسه‌ساز ایران اسلامی در سایه بصیرت و آگاهی و پا به پای ولایت عرصه را بر فتنه و فتنه‌گران تنگ و تنگ‌تر کردند. ناگزیر فتنه‌گران برای اینکه بتوانند حماسه‌ خلق شده ملت را به شکست بکشانند دست به هر روش نابکاری زدند.

آنان با اردوکشی‌های خیابانی به جان و مال مردم حمله کردند و اموال عمومی و شخصی ملت، را در آتش کینه خویش سوختند. در این حملات ناجوانمردانه عده‌ای از زنان و مردان این خاک شهید‌پرور، شهید شدند و با این کار روح احساسی ملت متدین ایران را برانگیختند.

وقتی از این اعمال خبیثانه طرفی نبستند و نتیجه‌ای نگرفتند و به هدف خویش نرسیدند، کم‌کم به اقداماتی دیگر دست زدند و در موضوعاتی ورود کرده و به آن اهانت نمودند که همواره ضربه اساسی را از آنجا دیده بودند.

آن موضوعات چیزی نبود مگر مقدسات اسلامی و عاشورایی و ارزش‌های دینی ملت؛ زیرا دشمن پلید خوب می‌دانست که ملت ایران با عمل به فرامین قرآن و ائمه اطهار ( و در سایه دین مبین اسلام و مذهب حقّه تشیع به باور استقامت و مقاومت رسیده است و نتیجه ایستادگی و مقاومت نیز چیزی نیست مگر پیروزی. ناگزیر با حمله به مقدسات روح ملت قهرمان‌پرور و غیور ایران اسلامی را آزردند و احساس مذهبی و ملّی آنان را جریحه‌دار کردند.

ابتدا با حمله به پایگاه‌های مقدس مردم؛ یعنی مساجد که مظهر امنیّت، آسایش و همبستگی، محل عبادت و انجام فرایض مذهبی و دینی ایرانیان است، به مقابله با ملت و فرهنگ آنان پرداختند. در ادامه، برخی دیگر از پایگاه‌های مردم‌نهاد اجتماعی و نظامی نیز مورد هجوم کینه‌توزانه عوامل داخلی دشمن قرار گرفت.

دشمن با استفاده از ایادی دست‌آموز خود و منافقین خودفروخته داخلی، طی ماه‌های بعد از خرداد ضربه‌های ناجوانمردانه‌ای را بر پیکر ملت زد. در نماز جمعه‌ای که سنگر وحدت و انسجام ملی و مذهبی است، در سایه سکوت و چراغ سبز برخی زخم‌خورده، قدرت‌طلب و خواص بی‌بصیرت، شعارهای انحرافی سر دادند و حرمت نماز و نماز جمعه را شکستند.

هنگامی که از این ماجرا نیز طرفی نبستند، در روز جهانی قدس شعار «نه غزه و نه لبنان» و «جمهوری ایرانی» سر دادند.

در روز 13 آبان که برای ایرانیان به عنوان روز مقابله با استکبار جهانی معرفی و شناخته می‌شود و یادآور حماسه‌های تاریخی در انقلاب اسلامی است نیز افزون بر تخریب اماکن عمومی و ضرب و شتم مردم شعارهای انحرافی و دشمن‌شادکن سردادند.

این ماجراها ادامه یافت و از هیچ اهانتی به مقدسات و ملیّت ایران و ایرانی فروگذار نشد؛ تا اینکه محرم امام حسین علیه السلام و ایّام عزاداری سرور و سالار شهیدان آغاز شد.

اینکه امام راحل رحمه الله فرمود: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»؛ سخنی است که باید با آب طلا بر گنبد دوّار نوشت.

کار از اهانت به امام راحل رحمه الله و رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی گذشته بود و دشمن با یاری ایادی داخلی‌اش به اینها اکتفا نکرد؛ تا اینکه دستور حمله به امام حسین علیه السلام و خیام برپا شده جهت عزاداری و عزاداران آن سرور و سالار آزادگان صادر شد. چنانکه در تهران به برخی از خیمه‌ها، تکایا، حسینه‌ها و هیأت‌هایی که در سوگ امام حسین علیه السلام برای عزاداری ایام محرم و هفتاد و دو شهید کربلا و قیام عاشورا برپا شده بود، در روز عاشورای حسینی اهانت شد. آنان به عزاداران حمله کردند و پرچم سرخ حسینی را از بام خیام به زیر آورده و خیمه و بیرق را با هم به آتش کشیدند.

اینجا بود که ملت ولایتمدار و حسینی ایران اسلامی خونش به جوش آمد، و طاقتش طاق شد و کاسه صبرش لبریز؛ و دیگر نتوانست تحمل کند.

ملت سلحشور و شهیدپرور و عاشوراساز با عزمی ملّی و روحی عاشورایی، روز نهم دی 1388 به خیابان‌ها ریختند و بی‌آنکه «هل من ناصری» شنیده باشند؛ به عبارت بهتر بدون آنکه کسی «هل من ناصر ینصرنی» گفته باشد، به پا خاستند. در این انسجام ملّی و اتفاق عاشورایی، از هر سلیقه و عقیده سیاسی حضور یافت. آن روز عقاید و اختلافات سیاسی کنار گذاشته شد و ملت با تمام شور و شعف حسینی و عاشورایی به خیابان‌ها آمدند تا بساط فتنه و فتنه‌انگیزان را جمع کنند.

اهانت به امام حسین علیه السلام که قیامش سرلوحه انقلاب اسلامی است و اهداف بلندمرتبه‌اش برنامه و راهبرد ملت مسلمان ایران بوده و هست و ایام عزایش فرهنگ این ملت را تشکیل می‌دهد، خون ایرانیان را به جوش آورد و احساسات حسینی‌ آنان را برانگیخت.

این اهانت سنگین و ناگوار بر ملت سلحشور بسیار‌گران آمد، به شکلی که برای ملت عزادار تحمل ممکن نبود، ناچار همه به خیابان آمدند و سیلی از جمعیت به راه افتاد که دشمن هرگز تصور آن را نمی‌کرد چنین قیامی صورت بگیرد.

دشمن دون هنوز نفهمیده بود، همچنان نیز این موضوع مهم را درک نکرده که اینجا ایران است و بر بام آن پرچم و بیرق سرخ حسین علیه السلام در اهتزاز است.

در روز نهم دی 1388 بصیرت ملت گُل کرد و بدون اینکه امامشان «مسلم»ی را به عنوان «سفیر» گسیل داشته باشد، به قیام و یاری‌اش برخاستند؛ زیرا اینجا ایران بود نه کوفه. گرچه روز نهم دی 88، ملت بافرهنگ و عاشورایی ایران اسلامی عزادار سالار شهیدان کربلا بود و از داغ جانگداز آن سرور آزاده، خون می‌گریست، اما آنان با بصیرت و شناخت کامل، جشن بلوغ فکری و شخصیتی نظام اسلامی خویش را به رُخ عالم کشید و در منظر عام به تماشای جهانیان گذاشت به شکلی که دشمن همچون حماسه حضور 22 خرداد همان‌سال انگشت حیرت به دهان گزید.

ملت بزرگ و ولایتمدار ایران اسلامی در روز نهم دی نشان داد که فرق ایرانی و کوفی در پذیرش ولایت و ولایت‌مداری چیست.

اگر کوفیان هجده هزار نامه نوشتند و امامشان را دعوت کردند، اما با بی‌وفایی و ناجوانمردانه «مسلم»ش را از بام دارالاماره به پایین افکندند و در نهایت امام را نیز در دشت سرخ کربلا با بی‌وفایی تمام تنها گذاشتند، اما در اینجا نه سفیری گسیل شده بود و نه دعوت‌نامه‌ای ارسال گردیده بود، اما هم بیعت سابق تجدید شد و هم وفای به آن بیعت به طور عملی نشان داده شد.

در نهم دی 88، سن، سال، جنسیت و سلامت جسمی مطرح نبود؛ زیرا از طفل شیرخواره آرام گرفته در آغوش مادران تا زنان و مردان، جوانان، سالخوردگان و میان‌سالان؛ دختران و پسران؛ جانبازان، پهلوانان و قهرمانان، کارگران و کارمندان، همه و همه آمده بودند. آری همه آمده بودند، بی‌آنکه صدای هل من ناصری شنیده باشند.

روز نهم دی، تجلی بصیرت و دانایی بود که ملت ایران از خود نشان داد. گرچه در ابتدای فصل سرد زمستان بود، ولی گرمای بصیرت و آگاهی و بینش سیاسی مردم سبب شد درخت تنومند انقلاب شکوفا شود و گل بدهد و عطر حسینی از آن تراوش کند؛ یعنی تولد بهار در اوج سرمای زمستان.

اگر دشمن تصور می‌کرد با تیغ سرمای خشک و بی‌روحش می‌تواند به این درخت تناور حمله کند و آن را از ریشه بخشکاند، تصور باطل و خام و برنامه‌های شوم و نامبارک وی با قیام آگاهانه و بابصیرت مردم از ریشه خشکید و امیدش به یأس تبدیل شد.

بصیرت مردم در نهم دی، تن ناپاک سردمداران کفر و استکبار نشسته در کاخ سیاه موسوم به سفید را به لرزه درآورد؛ حتی پایه‌های آن کاخ شیطانی با این قیام حسینی لرزید؛ همچنان که کاخ امویان با قیام عاشورایی زینب کبری علیها السلام متزلزل گشت و در نهایت فرو ریخت.

به جرئت می‌توان گفت آنچنان حضور مردم در نهم دی 1388 پرشکوه و عظیم بود که اگر رهبران بسیاری از قیام‌های تاریخی، تجلی حضور بابصیرت مردم ایران را در این روز تاریخی از نزدیک می‌دیدند، در برابر عظمت این ملت عاشورایی سر تعظیم و تکریم فرود می‌آوردند و زبان به تحسین و تشویق می‌گشودند. روز نهم دی 1388 را می‌توان نماد زیبای اعلام حضور عصر ظهور قلمداد کرد که ولی‌شناسی و ولایتمداری در عرصه پیکار با دشمن نابکار در هنگام نیاز یعنی چه.

این ملت منتظر که انتظار سرلوحه برنامه‌های حیات‌بخش زندگی آنان است، با حضور شکوهمند و پرصلابت خویش نشان داد روزی که منتقم خون حسین علیه السلام ، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور فرماید و قیام کند چگونه ملتی را پشت سر خویش خواهد داشت.

ملت غیور ایران اسلامی با حرکت عزتمند و مقتدرش در نهم دی فرهنگ جدیدی بنیان نهاد که می‌توان آن ‌را فرهنگ بصیرت و عزت‌خواهی نام نهاد؛ زیرا گرچه این قیام بابصیرت در یک نیم‌روز اتفاق افتاد، اما همچون قیام عاشورا، برکاتی عظیم در خود نهفته داشت و دارد؛ تا جایی که شاید بتوان گفت طبق آیه شریفه قرآن کریم برکاتش «خیرٌ من الف شهر» بود و هست. نهم دی 1388، تجلی و ثمره خون شهیدان این دیار بود که نوعی عاشورا در ایران پدید آمد. عاشورایی که خلق شد ابتر بودن دشمن و کوثر بودن رهبر عظیم‌الشأن و ولایت را به اثبات رساند.

کوتاه سخن اینکه: دشمن بداند اینجا ایران است؛ ایران ولایتمدار و عاشورایی. با این ملت نمی‌تواند مقابله کند و در کشورش فتنه‌انگیزی نماید. او مجبور است به خود بفهماند که اگر همچنان تصور خام و باطل فتنه را در ذهن شیطانی‌اش پرورش می‌دهد، باید نیک بداند اینجا «ولی» و «ولایت» در دل است، آنان روز «غدیر» با «ولی» عهد بسته‌اند، کافی است او لب‌تر کند.